ایران و ایرانی از دیدگاه جهان گردان

کسمائی، بهروز

جهانگردانی که از دوران صفویه تا سال 1925 میلادی بایران آمده‏اند با اینکه در زیر عنوان سیاحت نظرات خاصی داشته و پس از مراجعت بکشور خویش از تنقید و نوشتهای‏ نیشدار خودداری نکرده‏اند ولی بعضی از آنان ایران را از نظر معنوی و ایرانیان را بجهت‏ دارا بودن خصال عالیه انسانی و عواطف بشری ستوده و در آثار خویش نکات بسیار زیبا و رقیقی را ارائه داده‏اند که پس از گذشت سالهای دراز مطالعهء آن مایهء خوشنودی و مسرت‏ خاطر هر ایرانی میتواند باشد-اینک قطعات برگزیده‏ای را برای انبساط خاطر خوانندگان‏ گرامی مجلهء وحید ترجمه و تقدیم میدارم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید-دکتر بهروز کسمائی

\*\*\* یادداشتهائی از ایران- اثر-کلود-آنه Claude-Anet

ناشر-برنارد-گواتسمپاریس 1924 Bernard gsasset.

صفحهء"6"اغلب اروپائیان وقتی صحبت از ایران و ایرانی بمیان می‏آید میگویند:هنوز ایرانیان زندگی قرون وسطائی دارند".

\*\*\*

زیبائیهای ایران

نوشتهء عالیجناب ا-د.د.د.و- Dar.Sieys A.D.D.V

ناشر بروه کلوزیه 1673 Beerves-Clouzier

ایرانیان از نظر اندام و شکل ظاهری متناسب و رنگشان سفید و یا گندمگون،در سوارکاری‏ ماهر در تیراندازی بی‏نظیر و در بافتن پارچه‏های ابریشمی،نخی،کتانی-و فرش استاد بی‏نظیرند از نظر رفتار و اخلاق و حرکات میتوان گفت شبیه ایتالیائیها ولی از نقطه‏نظر ادب و مهمان‏ نوازی و ملاطفت و مهربانی در اقالیم هفتگانه مثل و مانندی ندارند.قریحه سرشارشان برای‏ سرودن اشعار لطیف و مضامین بدیع و فراگیری فلسفه و حکمت و ریاضیات مهیا و بدین لحاظ در هر شهر و شهرکی مدارس عالیه چندی برای طالبان علم و دانش دایر و استادان و دانشمندان‏ بنامی آنها را اداره مینمایند.

زنان ایران خیلی زیبا ولی پشت دیوار خانه‏ها محبوس و اگر گاهی جهت رفتن بحمام‏ یا خرید ببازار میروند خود را از سر تا پا در چادرمی‏پیچند.

لباس ایرانیان خواه مردانه یا زنانه فوق العاده زیبا و برازنده و گرانبهاست.اغلب‏ از پارچه‏های ابریشمی،مخمل یا ماهوتی است که از فرنگستان وارد کرده و آنرا با تارهای‏ طلا و نقره مزین کره‏داند.مردان اغلب نیم‏تنه‏ای در زمستان میپوشند که با خز یا پوست‏ بره طوسی که دارای پشم مجعد و نرمی است آسترشده و فوق العاده زیبا و گرانبهاست.

اجرای عدالت در ایران منجز و برای همه یکسان است خواه مسلمان یا مسیحی یا صاحبان سایر ادیان-راهها امن و امان و مسافران در کمال آسایش و بدون ترس و هراس‏ بهر کجا که خواهند شبانه‏روز در حرکتند زیرا اطمینان دارند که راهداران شاه حافظ جان‏ و مال آنان هستند.

میگویم 25 قرن پیش که اجداد ما در جنگلها و غارها و در حال توحش زندگی میکردند، ایرانیان زمان هخامنشی جامه‏های زربفت می‏پوشیدند و شاهنشاهان ایرانی روی قالیهائی‏ که تاروپود آن از سیم و طلای ناب بود راه میرفتند و در کاخهای زیبائی که هنوز هم ستونهای‏ سربفلک‏کشیده آن شاهکار ذوق و هنر است زندگی میکردند-دهها هزار نفر بخدمت داشتند- جاده‏های خوب اسبهای راهوار-حتی چاپارهای تندرو به شاهنشاهان و ساتراپها خدمت‏ کردند و اخبار و فرامین را در کوتاهترین مدت از این سر کشور بآن سر میرساندند.

من بخود زحمت کنجکاوی نمیدهم تا بدانم آیا ایرانیان از کمبود تمدن یا از نداشتن هنر و صنعت پیشرفته امروزی در عسر و فرجند یا نه؟!آنها خود بهتر میدانند چگونه زندگی کنند و در میان مردم دنیا سری و سری داشته باشند و این‏گونه تفکر برای‏ من کافیست ولی هرگز نمیتوانم ادب و لطف و مهربانی ایرانی را فراموش کنم زیرا آنان هر بیگانه‏ای در سر راه خود ببینند(بدون توجه به ملیت و مذهب آن)نهایت ادب و احترام‏ را در حقش رعایت نموده و از بذل موجود خودداری نمیکنند-من خود بارها شاهد و ناظر چنین بذل و بخششی بودم که از ما اروپائیان هرگز دیده نمیشود.

بنظر من چیزی زیباتر از آسمان صاف و آبی ایران در دنیا پیدا نمیشود-جائی که‏ من خوابیده‏ام تقریبا/200 متر از سطح دریا بلندتر است.گنبد آسمان مانند بلور صاف‏ و شفاف برنگ نیلی دور برخی جاها بنفش‏رنگ است و انسان را مجذوب و واله میسازد. ستارگان درخشان‏تر و بیشمارتر از آسمان اروپاست.چه تماشائی بهتر و چه لذتی بالاتر از این........